

تاریخ دریافت: ۹۳/۹/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۲/۹

رابطه جنسیت و فضا در عرصه‌های خصوصی و عمومی دوره قاجار

حسنا ورمقانی*
حسین سلطانزاده**
مزین دهباشی شریف***

چکیده

جنسیت، مفهومی اجتماعی- فرهنگی است که در خلال زمان و مکان دستخوش تغییر است و در شکل‌دهی به آن، عوامل متعددی چون عقاید و باورها، آموزه‌های دینی و آداب و رسوم دخالت داشته‌اند. پژوهش حاضر با روش تاریخی- تفسیری و با تکیه بر متون تاریخی و سفرنامه‌ها و تمرکز بر ساختار فرهنگ و مذهب در جامعه ایرانی، عرصه‌های جنسیتی و علل اجتماعی فرهنگی شکل‌گیری آن در جامعه شهری دوره قاجار را مورد بررسی قرار می‌دهد. همچنین عرصه‌های جنسیتی در سه جامعه شهری، روستایی و عشایری آن دوره با یکدیگر مقایسه شده است و با این پیش‌فرض که میان «هویت جنسیتی» و «هویت فضایی» رابطه مثبت وجود دارد، در پی پاسخگویی به یک پرسش اصلی است: ویژگی‌های فضایی و نحوه استفاده از عرصه‌های خصوصی و عمومی در دوره قاجار چگونه از هویت جنسیتی تأثیر پذیرفته است؟ در این راستا، ابتدا عرصه‌های جنسیتی در عرصه‌های خصوصی و عمومی دوره قاجار را یافته و سپس به تبیین و تحلیل نظرات سفرنامه‌نویسان می‌پردازد. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که عوامل فرهنگی چون باورهای آیینی، نحوه پوشش، آموزش زنان و نفوذ عناصر فرهنگ غرب در اواخر دوره قاجار، عوامل اجتماعی شامل ساختار قدرت، طبقه اجتماعی و هنجارهای اجتماعی، همچنین عوامل اقتصادی شامل شیوه معیشت و منطقه جغرافیایی، رابطه جنسیت و فضا را متغیر می‌سازند. چگونگی تأثیرگذاری این عوامل مبحثی است که در این مقاله به آن پرداخته شده است.

واژگان کلیدی

جنسیت، عرصه عمومی، عرصه خصوصی، فضای شهری، جامعه شهری، دوره قاجار.

*. پژوهشگر دکتری معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی. نویسنده مسئول ۰۹۱۲۵۱۹۷۵۸۵ hosnavarmaghani@yahoo.com
**. دکتری معماری، دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی. H72soltanzadeh@gmail.com
***. دکتری معماری، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی. Moz.Dehbashi_Sharif@iauctb.ac.ir

مقدمه

معرفی می‌کند (باستید، ۱۳۷۴). ابوغزه تأثیر محیط‌های ساخته‌شده بر نحوه ارتباط زنان و مردان و چگونگی مجاورت فضاها با یکدیگر را مطالعه می‌کند (Abu-Ghazze, 1994). صدوقیان زاده رابطه جنسیت و فضا در تهران امروز را در سه سطح فضای خصوصی خانه، فضای نیمه‌عمومی و عمومی شهری بررسی می‌کند (Sadoughianzadeh, 2008). رضازاده و محمدی هنجارهای اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر کاهش حضور زنان در فضاهای شهری را معرفی می‌کنند (رضازاده و محمدی، ۱۳۸۶). تحقیق حاضر با نگاهی جامع شاخص‌های مؤثر بر تغییرات رابطه جنسیت و فضا را در یک بستر تاریخی جستجو می‌کند.

چارچوب نظری

بر مبنای علم جامعه‌شناسی و ذیل آن، جامعه‌شناسی جنسیت، رفتار زنان و مردان براساس تفاوت‌های بیولوژیک آنها به وجود نمی‌آید (Goffman, 1959: 531) بلکه افراد با پذیرش جامعه باید نگرش‌ها و رفتارهای خاصی را نیز بپذیرند. در این باره نقش‌های جنسیت به عنوان رفتارهای مورد انتظار و رجحان‌هایی که یک جامعه به هر جنس نسبت می‌دهد، تعریف می‌شود (Schaefer, 1992: 173). بنابراین نقش مناسب برای مردان و زنان، به آموزه‌هایی برمی‌گردد که در طول جامعه‌پذیری^۱ داشته‌اند (South, 1994: 213). جامعه‌شناسان همچنین ساختار خانواده را در تعیین هویت جنسیتی مؤثر دانسته و به عوامل قدرت، پدرسالاری یا مادرسالاری و خانواده گسترده یا هسته‌ای اشاره داشته‌اند. براساس نظریه مبادله، سه عنصر هنجارهای اجتماعی، منابع و منافع توزیع قدرت، روابط خانواده را تعیین می‌کند. از دیدگاه میلر، خانواده با آموزش و ارزش‌گذاری نقش‌ها برای هر جنس، نقشی مهم در انتقال و درونی‌کردن ایدئولوژی مردسالاری دارد (Donovan, 2001: 159). بورديو^۲ نشان می‌دهد که چگونه طبقه‌بندی جنسیتی، کاربرد خشونت نمادین و زبان جنسیتی که پدیده‌هایی کاملاً اجتماعی‌اند به هویت شکل می‌دهد (Jarvenin, 1999: 7). بر پایه جامعه‌شناسی جنسیت، اگر تقسیم کار در یک جامعه جنسیت‌یافته باشد و کارها بر حسب جنس افراد تعریف و توزیع شود، به مرور، مردان منابعی بیش از زنان به دست می‌آورند (Turner, 1999: 238). چارچوب نظری نشان می‌دهد که در هر جامعه عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، سه شاخص اصلی در شکل‌دهی به مفهوم جنسیت‌اند (تصویر ۱). فضا و جنسیت تأثیرات متقابل بر یکدیگر دارند. یک سوی این ارتباط در بازتاب‌های فضایی جنسیت و سوی دیگر آن در نقش فعال فضا در تولید و بازتولید اجتماعی بیان می‌شود. در نظریه‌های اجتماعی، فضا یک داده از پیش موجود نیست بلکه همان‌گونه که لوفور بیان داشته توسط جامعه تولید می‌شود و از این رو باید در یک رابطه دیالکتیکی با کنشگران اجتماعی در نظر گرفته شود. (Lefebvre, 1991: 321). اسپین در اثرش «فضاهای جنسیتی»^۳ به دنبال تبیین رابطه میان جنسیت و فضا و مناسبات قدرت است و اینکه چگونه مناسبات

جنسیت، مفهومی اجتماعی- فرهنگی است که در خلال زمان و مکان دستخوش تغییر است. بنابراین خصوصیات اجتماعی- فرهنگی افراد در جوامع مختلف بر نحوه تصرف عرصه‌ها و خصوصیات فضای اجتماعی تأثیر می‌گذارد. فضای کالبدی معماری و شهر که فضای اجتماعی را دربرمی‌گیرد با دگرگونی‌های مفهوم جنسیت تغییرپذیر است. مقاله حاضر با تکیه بر علم جامعه‌شناسی، به چگونگی تأثیرپذیری «هویت فضایی» از «هویت جنسیتی»^۴ و مشخص کردن عوامل مداخله‌گر در رابطه «جنسیت و فضا» در دوره قاجار می‌پردازد. برای شناسایی تغییرات احتمالی ایجاد شده در عرصه‌های جنسیتی، شناسایی عرصه‌هایی که به عنوان بستر روابط اجتماعی و خویشاوندی در فضاهای عمومی و خصوصی نقش‌آفرینی می‌کنند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. پژوهش حاضر با استناد به متون تاریخی، سفرنامه‌ها و شرح‌حال‌ها، نسبت تغییرات مقوله جنسیت با تغییرات سازمان‌دهی فضایی و عرصه‌بندی‌های خصوصی و عمومی را تبیین می‌کند. پرسش اصلی تحقیق آن است که ویژگی‌های فضایی و نحوه استفاده از عرصه‌های خصوصی و عمومی در دوره قاجار چگونه از هویت جنسیتی و جایگاه اجتماعی، فرهنگی و موقعیت زنان و مردان تأثیر پذیرفته است؟

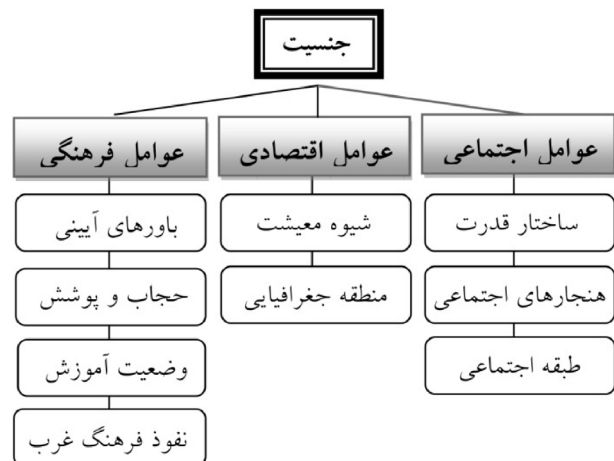
روش تحقیق

مطالعه حاضر با روش تحقیق تاریخی- تفسیری به یافتن داده‌ها از آثار گذشته و اسناد و مدارک می‌پردازد. شیوه تحقیق تفسیری تاریخی کمک می‌کند تا بتوان تعبیر صحیحی برای هر مسئله در ارتباط با اثر شناخته‌شده ارایه داد و واقعیت‌های مربوط به هر پدیده را از آنها استنتاج کرد. به منظور تفسیر گزارش‌های تاریخی، نظریات جامعه‌شناسانی چون اسپین^۳، لوفور^۴ و پولاک^۵ که در اظهارات خود به کیفیات فضای ذهنی، فضای اجتماعی و فضای کالبدی توجه دارند، مورد اتکا و استناد قرار گرفته است. مقایسه منابع دوره صفویه و قاجاریه بیانگر آن است که موقعیت زنان از جهات بسیاری مشابه بوده و تنها پس از انقلاب مشروطه، شکل‌گیری جریان‌ها و تشکیلات زنان، این موقعیت را تغییر داده است. به این ترتیب در تحقیق حاضر، ۶ سفرنامه از دوره قاجار، ۶ سفرنامه از دوره صفویه و تعداد ۸ کتاب خاطرات و زندگی‌نامه مورد استناد قرار گرفته است.

پیشینه تحقیق

از دهه ۸۰ میلادی، لزوم پرداختن به رابطه «جنسیت و معماری» مطرح شد و به سال ۱۹۹۲ در خلال موج سوم جنبش برابری‌طلبی زنان^۶، کتاب «جنسیت و فضا» توسط کولومبیا چاپ شد (Colomina, 1992). تیلیون^۷ محیط کوچک و بسته خانواده را در تقویت تبار مردانه مؤثر می‌داند (تیلیون، ۱۳۹۰). باستید^۸، نحوه پوشش زن در مناطق گرم را علت ظهور معماری درونگرا

جنبه چگونگی استفاده اشاره می‌شود که در آنها، فضا به صورت اجتماعی و فرهنگی تولید شده و مناسبات جنسیتی، در قالب فرایندهای اجتماعی، فرهنگی و فضایی ساخته می‌شوند. مطالعه متون تاریخی، سه گونه فضای اجتماعی شامل عرصه‌های زنانه، مردانه و عرصه‌های مشترک را مشخص می‌سازد. اما دو عامل، یکی فقدان امنیت و دیگری قوانین مملکتی، بسیاری از فضاهای عمومی را صرفاً مردانه کرده، حضور زنان را دشوار یا به کلی منع کرده بود. از سویی، «جنسیت به عنوان مهم‌ترین عامل فردی در درک امنیت محسوب می‌شود» (Howard, 1999: 219). احساس ناامنی، رفتار و حالات را در فضا تغییر می‌دهد و این اثرات بر روی زنان شدیدتر است، اثراتی نظیر اینکه حرکت‌های آنها را محدود و فرصت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آنها را کاهش می‌دهد (Lubuva & Mtani, 2004: 21). «ارتباطات اجتماعی در یک فضا و گروه‌هایی که آن فضا را از نظر اجتماعی کنترل می‌کنند، اثر مهمی در احساس امنیت زنان در فضا دارد» (Bell, 1998: 19). با این وصف، در تجربه تاریخی زن سنتی شهری، بیشترین ترجمه حضور تنها و آزاد در عرصه عمومی، مفهوم مردان بیگانه و تهدیدات ناشی از آن بود و این فضا در ذهن او، در شکل مناسکی و مصرفی و محدود آن تفسیر می‌شد. منابع تاریخی از وجود عرصه‌های مشترک برای مردان و زنان خبر می‌دهند که عمدتاً شامل مساجد و تکیه‌ها، مجالس روضه و تعزیه، قبرستان، امامزاده و بازار است. دالمانی درباره عرصه‌های زنانه در دوره مظفرالدین‌شاه نوشته است "یکی از تفریحات عمده زنان ایرانی رفتن به حمام یا قبرستان است؛ این دو جا برای آنان به منزله باشگاه و محل تفریح و ملاقات است" (مهرآبادی، ۱۳۷۹: ۴۳۸). همچنین منابع از آداب و قوانین عرفی خاص یاد می‌کنند: «مردها به دیدن زن‌ها نمی‌روند. مردها میان خود و زن‌ها میان خود دید و بازدید می‌کنند» (بنجامین، ۱۳۹۱: ۱۵۰). تفریح و تفرج، تنها به



تصویر ۱. مدل مفهومی متغیر جنسیت. مأخذ: نگارندگان.

قدرت، خود را در فضا تثبیت می‌کند (Spain, 1992: 113). تحقیق آردنر در باب جداسازی فضاهای زنان و مردان با هدف درک ریشه‌های فرهنگی تخصیص فضاهای زنانه و مردانه می‌کوشد به تبیین نقش فضا در نمادسازی و ساختاربخشی و تقویت مناسبات جنسیتی پردازد (Rendell, 2000: 113). لوفور با تفکیک فضای اجتماعی و فیزیکی نقش فرهنگ و شیوه زندگی انسان‌ها را در این مفهوم بسیار پررنگ کرده و از همین زاویه شهر را به عنوان یک فضا در ابعاد مختلف مورد واکاوی قرار می‌دهد؛ شهر به تعبیر لوفور، بازتابی از روابط اجتماعی است که روی زمین به تصویر کشیده شده است (Merrifield, 2006: 108-111)؛ (جدول ۱).

رابطه جنسیت و فضا در دوره قاجار

در تعامل دو مقوله جنسیت و فضا، به جنسیت‌دار بودن فضا از

جدول ۱. مفاهیم کلیدی و تعاریف صاحب‌نظران درباره رابطه جنسیت و فضا. مأخذ: نگارندگان.

صاحب نظر	مفاهیم کلیدی	رابطه جنسیت و فضا
دافنی اسپین	قدرت	تبیین رابطه میان جنسیت و فضا و مناسبات قدرت
شرلی آردنر	فضای جنسیتی	تبیین نقش فضا در نمادسازی و ساختاربخشی و تقویت مناسبات جنسیتی
هانری لوفور	فضای زیسته	فضا یک تولید اجتماعی است. امکان به چالش کشیدن یا تغییر نظم فضایی مسلط از جانب کاربران فضا
میشل فوکو	توزیع قدرت	فضا اساس هر اعمال قدرتی است. توزیع و طبقه‌بندی افراد در مکان و جداسازی جنسیت‌ها از یکدیگر از نخستین تکنیک‌هایی است که تکنولوژی انضباطی از آن برای رؤیت‌پذیر کردن افراد و آنچه که درون فضا می‌گذرد، بهره می‌برد.
جویدیت باتلر	مفهوم اجتماعی جنسیت	جنسیت مفهومی پیشینی و جوهری و جهانشمول نیست، بلکه به شیوه‌ای اجتماعی خلق و ساخته می‌شود.
مک دو ول	ساختار اجتماعی	ساختار روابط اجتماعی منجر به تقسیم جنسیتی فضای شهری می‌شود.

تصور و در آن زندگی می‌کنیم، اساساً مقوله‌ای اجتماعی است. این فضا همواره فرهنگ، ارزش‌ها، اهداف و ایدئولوژی‌های هر جامعه‌ای را بازنمایی می‌کند. بنابراین آنچه اهمیت دارد این است که چه فضاهایی توسط چه کسانی، برای چه افرادی، در کجا، کی و چرا ساخته شده‌اند و این منظر ما را هم در فهم سازوکار فرهنگ، هم فضای زندگی روزمره‌ای که مردم تجربه می‌کنند و می‌سازند یاری می‌کند. فرهنگ در جامعه عصر قاجار، مشتمل بر سنن و باورهای آیینی بود که منجر به تمایلات اجتماعی افراد برای حفظ حریم‌های جنسیتی و اهمیت خانواده به عنوان نهادهای هویت‌ساز شده و هویت فضایی در معماری و شهرسازی را شکل می‌داد. از این رو در شهرهای این دوره، فضاهای عمومی به نسبت فضاهای خصوصی بسیار اندک بود. تأثیر این خصیصه‌های فضای اجتماعی بر فضای کالبدی معماری و شهر این بود: زنان عرصه‌های خاصی داشتند که مردان را بدان راهی نبود. همچنان که خود به بسیاری از فضاهای خاص مردان، دسترسی نداشتند. فلسفی درباره فضاهای جنسیتی عصر صفوی می‌نویسد: «روز چهارشنبه سیر چهارباغ به زنان تعلق داشت، در این روز فروشندگان چهارباغ همه زن بودند» (فلسفی، ۱۳۴۶: ۲۳۲-۲۳۱).

آموزش زنان

امکان آموزش برای زنان، از عوامل فرهنگی است که منجر به گسترش عرصه‌های زنانه و افزایش حضور آنان در جامعه می‌شد. در عصر صفوی مکان‌های آموزش زنان، مساجد و مکتب‌خانه‌هایی

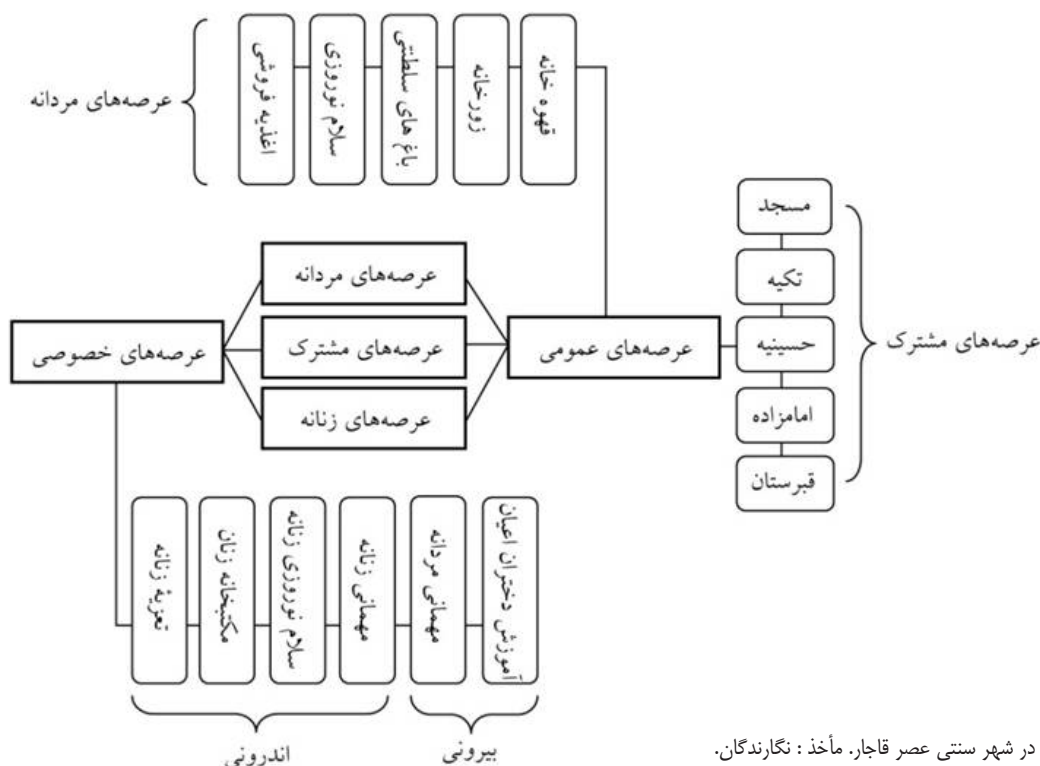
عملکردهایی با اهداف و باورهای آیینی و امور ضروری زندگی - از قبیل عبادت، حمام رفتن یا خرید روزانه - محدود می‌شود. بنابراین کمبود عرصه‌های جمعی و تفکیک فضاهای جنسیتی تا حد زیادی منتج از ماهیت اجتماعی شهر سنتی - آیینی بوده است (تصویر ۲).

عوامل فرهنگی مؤثر بر رابطه جنسیت و فضا

دوره قاجار، به دلیل فراز و فرودهای ناشی از تغییرات اوضاع اجتماعی و تأثیری که جامعه جهانی در تاریخ ایران به وجود آورد، دوره پرتلاطمی است. انتشار مطبوعات، تغییر سیستم آموزشی و عمومیت یافتن آن، و وقوع انقلاب مشروطه، از جمله این تغییرات بودند. بدین لحاظ عصر قاجار به دو دوره تقسیم می‌شود؛ دوره اول که در ادامه سنت عصر صفوی است و دوره دوم که مواجهه با غرب، آغاز تحولاتی است که دگرگونی مفهوم و هویت جنسیتی، یکی از آنهاست. در این نگاه، هویت اجتماعی زن در درجه نسبی بالاتری از هویت خانگی وی تلقی می‌شد و این تغییر رفتار، هویت فضایی را نیز دگرگون می‌ساخت (ر.ک. نادری، ۱۳۹۲: ۸۹-۸۰؛ ارمغان و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۵-۳۳؛ Armaghan, et al, 2014: 49-50). تصویر ۳، دگرگونی این مفهوم را در عصر قاجار معرفی می‌کند.

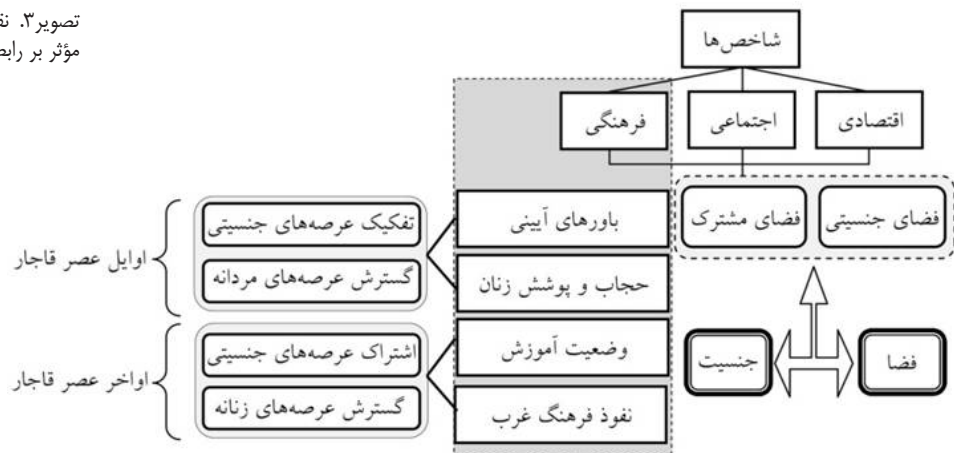
• باورهای آیینی

تجزیه و تحلیل‌های پولاک به این موضوع اشاره دارند که جنسیت‌دار شدن فضا، به روش‌های پیچیده‌ی زیادی شکل می‌گیرد (Rendell, et al, 2000: 135). فضایی که در زندگی روزمره



تصویر ۲. انواع عرصه‌های جنسیتی در شهر سنتی عصر قاجار. مأخذ: نگارندگان.

تصویر ۳. نقش عوامل فرهنگی در میان شاخص‌های مؤثر بر رابطه جنسیت- فضا. مأخذ: نگارندگان.



می‌داند که فرد در موقعیتی است که بتواند خواست خود را با وجود هر مقاومتی اعمال کند (به نقل از بارکر، ۱۳۸۷: ۶۲۶). در این دوره، از آنجا که مردان بیش از زنان در عرصه‌های عمومی جامعه حضور داشته و نقش پررنگ‌تری در فرهنگ‌سازی ایفا کرده‌اند، هنجارهای اجتماعی نیز توسط آنان ساخته شده است. بنجامین^{۱۲} ممنوعیت زنان را برای حضور در برخی اجتماعات چنین بیان می‌کند: «باغ‌های سلطنتی روزها برای ورود و تماشای عموم آزاد است و کلیه مردان می‌توانند وارد آنجا شده، به تماشا و گردش بپردازند، ولی زنان اجازه این کار را ندارند» (بنجامین، ۱۳۹۱: ۱۷۱).

حوزه‌های مجزا سیستم تقابلی و سلسله مراتبی است که با قلمرو مسلط تولید (مردانه) و قلمرو تابع بازتولید (زنانه) هماهنگ است. ریشه و اساس این ایدئولوژی که شهر را از خانه، عمومی را از خصوصی، تولید را از بازتولید، و مردان را از زنان جدا می‌کند، سیستم قدرت مردسالاری است (Rendell, et al, 2000: 213).

• طبقه اجتماعی

داده‌های حاصل از مطالعه منابع، دو الگوی متفاوت از تصرف عرصه‌های خصوصی و عمومی از سوی جنسیت‌ها را در دوره قاجار مشخص می‌سازد. برخی منابع بر تفکیک قاطع عرصه‌ها با دیوارهای بلند و دژمانند و لایه‌بندی فضاها تأکید کرده که زنان، زندانیان ابدی بوده، اجازه حضور در عرصه عمومی را نداشته و برخی دیگر حضور فعال زنان در شهر را توصیف می‌کنند. این تعارض، ما را به سمت متغیرهای دیگری هدایت می‌کند که شکل‌دهنده هویت جنسیتی‌اند (تصویر ۴). بنجامین دو نکته را در توصیف خانه‌های اعیانی شمیران ذکر می‌کند: یکی این که مشتمل بر باغ بزرگی با دیوارهای بلند بوده و نوعی حالت انزوا داشته، دوم آنکه دارای قسمت‌های جداگانه برای مردان و زنان بودند (بنجامین، ۱۳۹۱: ۱۳۱). کاخ‌های صفوی شامل دو بخش بود که با دیواری از یکدیگر مجزا می‌شد؛ ایوان که

بود که توسط زنان اداره می‌شد. اولتاریوس، جهانگرد اروپایی درباره اهمیت آموزش در ایران می‌نویسد «ایرانیان فرزندان خود را حتی زودتر از معمول به مدرسه می‌فرستند. مساجد، هم محل عبادت و هم مدرسه بود و هر شهری به تعداد کوچه‌های آن مسجد داشت» (اولتاریوس، ۱۳۶۳: ۳۰۱).

اما زنان اعیان از ورود به فضاهای آموزشی جمعی محروم بوده‌اند: «تعلیم دختران طبقات بالا در منزل پدرشان به وسیله اشخاصی که برای این منظور اجرت دریافت می‌دارند صورت می‌پذیرد» (گران واتسن، ۱۳۵۶: ۲۱).

• نفوذ فرهنگ غرب در اواخر دوره قاجار

فضا محصول مناسبات اجتماعی است و اگر جنسیت، تفاوت‌هایی در اجتماعی که در آن زندگی می‌کنیم ایجاد می‌کند، این شرایط اجتماعی باید بر فضاهایی که می‌سازیم یا استفاده می‌کنیم تأثیر داشته باشد. از این منظر، انتظار می‌رود تفاوت در هویت جنسیتی که در اواخر دوره قاجار اتفاق افتاد، هویت فضای کالبدی معماری و شهر را نیز تغییر داده باشد. زنان در دوره قاجار از پایایی هویتی نسبتاً قوی برخوردار بودند؛ حوزه خصوصی خانه را عرصه تأثیرگذاری ژرف خود بر خانواده دانسته و از تجربه کار در خانه به عنوان نوعی اعمال قدرت یاد کرده‌اند. در حالی که در اواخر این دوره با ورود مظاهر مدرنیته، هویت زنانه پیشین زیر سؤال رفت. به طوری که در خاطرات تاج‌السلطنه و فرمانفرمایان جدایی اندرونی از عرصه بیرونی که در ارتباط با دنیای خارج است، به عنوان نوعی معماری مردم‌محور مورد اعتراض واقع شده است (ر.ک فرمانفرمایان، ۱۳۹۳).

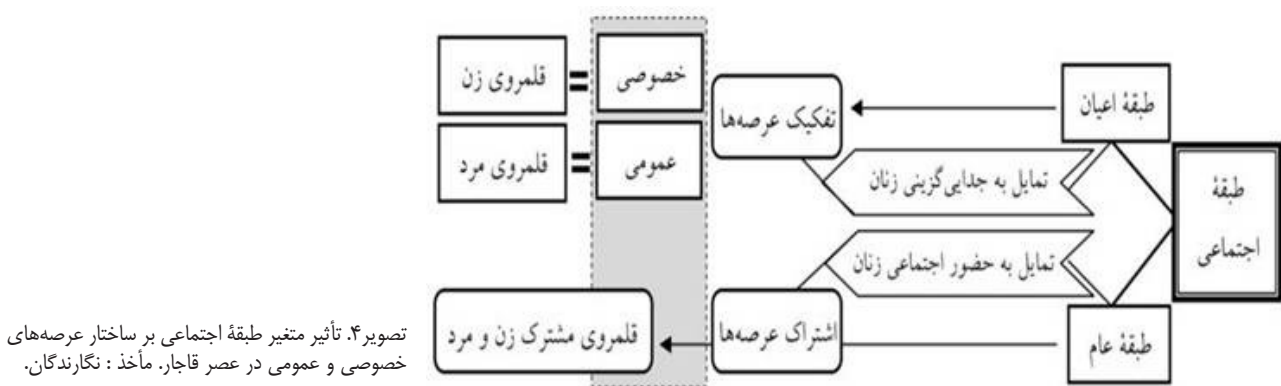
عوامل اجتماعی مؤثر بر رابطه جنسیت و فضا

• ساختار قدرت

در روابط خانوادگی، قدرت مفهومی است که در رفتارهای عینی اعضا به چشم می‌آید. ماکس وبر قدرت را رابطه‌ای اجتماعی

مجله آنان قابل تشخیص است (تصویر ۵). در سفرنامه‌ها می‌خوانیم: «زنان پیشه‌وران و طبقات پایین، دسته‌جمعی به تفریح و تماشا می‌رفتند اما زنان متعین همواره مورد مراقبت بوده و هیچ‌گاه از خانه بیرون نمی‌رفتند» (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۱۵۸؛ شیل، ۱۳۶۲: ۸۸؛ مهرآبادی، ۱۳۷۹: ۴۳۸؛ پولاک، ۱۳۶۸: ۱۵۷). بنابراین، عامل تعیین‌کننده در میزان فضاهای جنسیت‌یافته، سطح طبقه اجتماعی است. به طوری که در اقشار متوسط و پایین جامعه، از آنجا که حضور زنان در عرصه عمومی مردانه پذیرفته شده بود، فضاهای خانگی به ندرت کیفیت جنسیتی می‌یافتند در حالی که لزوم تفکیک عرصه‌های زنانه و مردانه در عمارت‌های

بیگانگان و مهمانان را جای می‌دادند و حرم که حتی صمیمی‌ترین دوستان نیز جرأت و جسارت گام گذاردن به آن را نداشتند (کمپفر، ۱۳۵۰: ۱۹۹؛ شاردن، ۱۳۴۵: ۳۸۸-۳۸۰). این تقابل عرصه خصوصی و عمومی در ساختار معماری تبلور یافته است. معماری ایرانی همیشه، بر فضای درونی استوار بوده و زن نیز، به ویژه در میان اشراف ایرانی، در کنار مهم‌ترین مقوله‌های ثروت، همیشه در فضای اندرونی جای داشته است. از آنجا که ساختار خانواده بر ساختار خانه تأثیر می‌گذارد و تصور خانواده بدون تصور مکان آن، ناممکن است؛ بنابراین روابط قدرت نیز در ساختار مسکن بازتابی می‌شود. به طوری که نفوذ و قدرت درباریان از حرمسراهای متعدد و



تصویر ۴. تأثیر متغیر طبقه اجتماعی بر ساختار عرصه‌های خصوصی و عمومی در عصر قاجار. مأخذ: نگارندگان.

آنها تداخل و هم‌پیوندی عرصه‌های زنانه و مردانه بیش از تفکیک عرصه‌های اندرونی و بیرونی مشاهده می‌شد (تصویر ۵ ج و ۵ د).

هنجارهای اجتماعی

در باور عمومی آنچه معمول است، هنجار تلقی می‌شود و «چون نظام حاکمیت مردان و تمکین زنان متداول شده، هرگونه تغییری در آن، غیرطبیعی است» (Mill, 2007: 25). به عنوان مثال حضور زنان در مجالس رسمی عصر قاجار غیرمعمول و خلاف هنجار بود. پولاک درباره نگاه تمسخرآمیز جامعه به مجالس رسمی زنانه می‌نویسد به این مراسم، از سر استهزاء جمعه بازار می‌گفتند (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۶۳). مراکز طبخ غذا در تهران قدیم از دیگر عرصه‌های جنسیتی بود که تنها مردان در آن راهیابی داشته و «خانم‌ها از این غذاها محروم بودند؛ چه جایی برایشان در این اغذیه‌فروشی‌ها وجود نداشت» (شهری، ۱۳۶۷: ۵۲۴-۵۲۲).

هنجارهای غالب اجتماعی و فرهنگی در جامعه، فضای درونی خانه را متعلق به زنان و فضای عمومی خارج از خانه را متعلق به مردان می‌دانست. به صورتی که محدوده امن زنان، فضای خانه و فضای نیمه خصوصی چند خانه، بن‌بست‌ها و هشتی کوچک‌های فرعی بود. هویت زن در فضای خصوصی تعریف می‌شد؛ برخلاف تجربه مردانه که خواهان تصرف بیشتر امکانات و فضای عمومی شهر بود.

اعیانی و درباری، ضابطه‌ای تغییرناپذیر بود. رایس در توصیف یکی از بازارهای اصفهان در زمان احمدشاه که هفته‌ای یک روز برپا می‌شد اظهار می‌کند که عمده فروشندگان آن را زنان تشکیل می‌دهند (مهرآبادی، ۱۳۷۹: ۴۱۶). بنابراین متغیرهایی چون سطح طبقه اجتماعی و میزان جدایی‌طلبی یا اجتماع‌پذیری که مطابق با جایگاه اجتماعی رئیس خانواده است، موجب تغییر رابطه جنسیت و فضا، حتی در بستر زمانی و مکانی مشترک می‌شود.

بر این اساس، «انواع فضاهای اجتماعی که به واسطه عاملان اجتماعی ساخته و از جانب آنان مصرف می‌شوند، به تجربیات اجتماعی و کنش‌های متقابل آنان به عنوان هستی‌های اجتماعی^{۱۳} ساختار می‌بخشند» (Zieleniec, 2007: 13). تفاوت دیدگاه‌ها درباره زنان در طبقات مختلف، بر نحوه شکل‌گیری خانه‌ها و شدت و ضعف تفکیک اندرونی و بیرونی تأثیرگذار بوده است. با این وصف، مسکن طبقات مختلف به شیوه‌های متفاوت جنسیت یافته بود. حرمسرای شاهی با ساختمان باشکوه بیرونی، بازتابی اقتدار مردسالاری بود و ساختمان اندرونی، مکان زندگی مستقل زنان حرم و بخشی از ثروت و تجمل شاه محسوب می‌شد (تصویر ۵ الف). خانه‌های اعیانی غالباً شامل ورودی، سر طویله و کالسکه خانه، بیرونی، اندرونی و فضای خدمه بود (تصویر ۵ ب). در حالی که خانه‌های طبقات متوسط و فقیرنشین فاقد فضاهای فوق بوده و در

<p>هویت مستقل عرصه‌های جنسیتی در خانه طبقات اعیانی</p>	<p>تفکیک قاطع فضاهای جنسیتی در حرمسرای شاهی</p>
<p>ب</p>	<p>الف</p>
<p>پلان خانه صنایع الدوله، دوره قاجار، تهران</p>	<p>منظره قصر شهرستانک، دوره قاجار، تهران</p>
<p>فقدان عرصه‌های جنسیتی شده در خانه‌های فقیرنشین</p>	<p>حائل‌ها و مرزهای جنسیتی نرم در خانه‌های طبقات متوسط</p>
<p>د</p>	<p>ج</p>



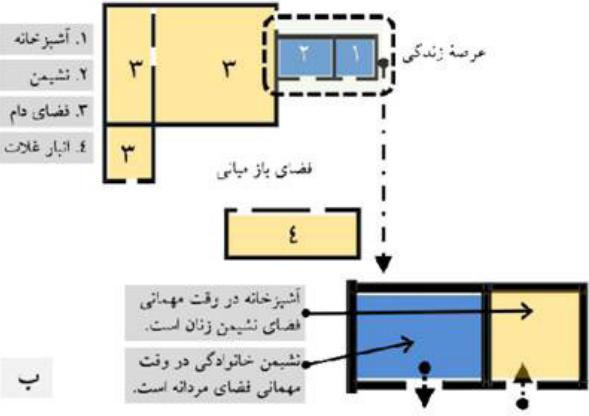

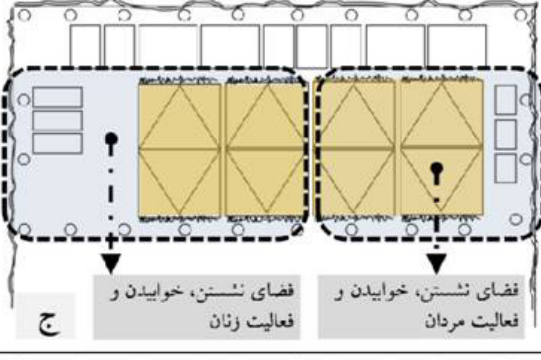

تصویر ۵. تأثیر طبقه اجتماعی بر ساختار فضاهای جنسیتی در چهار نوع مسکن متعلق به چهار طبقه اجتماعی مختلف. مأخذ: الف. قبادیان، ۱۳۹۲: ۲۳۱؛ ب. ارمان و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۵؛ ج و د. نگارندگان.

می‌شد در حالی که زن روستایی و عشایری به تناسب وظایف خود، زمان بیشتری در عرصه عمومی بوده است. در جامعه ایلی، زنان از بهترین موقعیت و بالاترین درجه آزادی برخوردار بودند؛ زیرا زندگی مردان متکی به آنان بود. بنابراین میان نقش اقتصادی در خانواده و تعریف جنسیت، رابطه مثبت وجود داشته و این بر نحوه تصرف عرصه‌ها تأثیرگذار است. به عبارت دیگر، حضور در عرصه عمومی - جز در موارد مشروع یاد شده - برای زن شهری، نشان تعلق وی به طبقات پایین و دون شأن وی محسوب می‌شد. در فضای عمومی (شهر) به جهت افزایش حضور مردها رفته‌رفته فعالیت‌هایی با ماهیت جنسیتی مردانه - اعم از فعالیت‌هایی با

عوامل اقتصادی مؤثر بر رابطه جنسیت و فضا

- شیوه معیشت

آنچه در موضوع رابطه جنسیت - فضا در جامعه سنتی مورد توجه است، تأثیرپذیری جنسیت از فرهنگ معیشتی است. شیوه‌های معیشت، نقش‌های جنسیتی^{۱۴} را رقم می‌زند و نحوه نگرش به جنسیت را شکل می‌دهد. زمانی که زنان بخشی از تأمین معاش را برعهده داشته‌اند، حضور آنان در عرصه‌های عمومی بیش از زمانی است که نقش معیشتی برعهده مردان بوده است. دو متغیر نوع جامعه (شهری، روستایی، ایلاتی) و طبقه اجتماعی در این زمینه مؤثرند. وظایف زن در خانواده شهری به عرصه خانه محدود

جنسیت و فضای معماری	جنسیت و فضای اجتماعی	
<p>تفکیک فضاهای جنسیتی تا حد جداسازی کامل از طریق گذر عمومی</p>  <p>حیاط بزرگ بیرونی، اهمیت این فضا را نسبت به اندرونی نشان می‌دهد.</p> <p>ورودی بیرونی</p> <p>الف</p>	 <p>جامعه شهری</p>	
<p>اندرونی و بیرونی خانه زینت‌الملک شیراز، دوره قاجار</p>	<p>حضور زنان شهری در مکان‌های امن اجتماعی (مساجد و...)</p>	
 <p>۱. آشپزخانه ۲. نشیمن ۳. فضای فام ۴. اتاق‌های غلات</p> <p>عرصه زندگی</p> <p>فضای باز میانی</p> <p>آشپزخانه در وقت مهمانی فضای نشیمن زنان است. نشیمن خانوادگی در وقت مهمانی فضای مردانه است.</p> <p>ب</p>	 <p>جامعه روستایی</p>	
<p>انعطاف‌پذیری فضاهای جنسیتی در خانه‌های روستای گرمیش شیراز</p>	<p>منظره معبر روستایی در سفرنامه بنجامین (عصر قاجار)</p>	
 <p>فضای نشستن، خوابیدن و فعالیت مردان</p> <p>فضای نشستن، خوابیدن و فعالیت زنان</p> <p>ج</p> <p>جداسازی فعالیت‌ها در فضای واحد: سیاه چادر عشایر قشقایی شیراز</p>	 <p>جامعه عشایری</p> <p>زنان عشایری در عصر قاجار و نقش مؤثر آنان در امر معیشت</p>	

تصویر ۶ مقایسه رابطه جنسیت و فضا در سه جامعه (شهری، روستایی، عشایری) که در یک منطقه اقلیمی (شیراز) واقع‌اند. مأخذ: نگارندگان.

عمومی بودند. در نتیجه در روستاها هیچ‌گونه اندرون برای زنان مشاهده نمی‌شد و فضاها نه به لحاظ جنسیت بلکه بر طبق شیوه معیشت روستاییان تفکیک می‌شد (تصویر ۶ ب). فضا براساس نوع فعالیت‌هایی که در آن انجام می‌گیرد جنسیتی می‌شود. این فعالیت‌ها منتج از نقش‌های جنسیتی هر یک از دو جنس زن و مرد



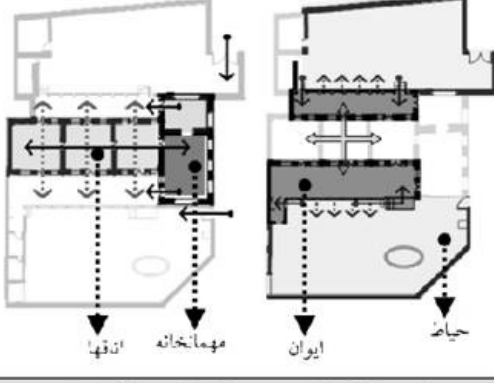

ماهیت مثبت یا منفی- در این فضای جنسی شده افزایش یافته و فضای عمومی اولیه به یک فضای جنسیتی شده تبدیل می‌شد. بنابراین، بارزترین نمود فضاهای جنسیتی، یعنی حوزه‌های مجزای اندرونی- بیرونی در مسکن شهری شکل می‌گرفت (تصویر ۶ الف). اما زنان روستایی به تناسب وظایف خود، زمان بیشتری در فضای

دیگر برای فروش عرضه می‌کنند" (بنجامین، ۱۳۹۱: ۱۰۴).

• **منطقه جغرافیایی**

میزان تأثیرگذاری «هویت جنسیتی» بر «هویت فضایی» با توجه به اقلیم هر منطقه و شرایط محیطی، تشدید یا تضعیف می‌شود؛ به طوری که در اقلیم کویری، حایل‌های فضایی گسترده‌تر شده و در مقابل، آب و هوای مرطوب شهرهای شمالی ایران منجر به کاهش این حایل‌ها و اعمال مرزهای نامریی جنسیتی شده است. افزون بر آن، در نگاه سیاحان پیوستگی حوزه عمومی و خصوصی در شهرهای شمالی به دلیل حضور زنان در قامت کار در زمین‌های کشاورزی برای تأمین مخارج خانواده امری پذیرفته است. به عنوان مثال، لیدی شیل درباره زنان مازندرانی می‌نویسد آنان همانند اغلب زن‌های ایلاتی به خاطر نقش مؤثری که در زندگی ایفا می‌کنند از احترام فراوانی برخوردارند (شیل، ۱۳۶۲: ۲۴۴-۲۴۲). بنابراین منطقه جغرافیایی و شیوه معیشت، مفهوم جنسیت را در شمال ایران دگرگون ساخته است (تصویر ۷).

است. از آنجا که در روستاها و به ویژه در ایلات، نقش‌های جنسیتی جای خود را به تساوی جنسیتی می‌داد، بازنمایی فضای جنسیت یافته نیز نمود کم‌رنگ‌تری داشت. به همین ترتیب در ایلات، آنچه فضاهای جنسیتی را از یکدیگر مجزا می‌ساخت، مرزهای نامریی بود که حدود عملکردها را تعریف می‌کرد (تصویر ۶ ج). مالکوم می‌نویسد: "تفاوت زن‌های روستایی با شهرنشین این بود که زنان شهری همیشه در پرده مستور بودند. ولی در روستاها و ایلات چنین رسمی معمول نبود" (مالکوم، ۱۳۶۲: ۶۳۶). پروگش برونگرایی خانه‌های روستایی را چنین توصیف می‌کند: "داخل تمام خانه‌های روستا از تراس قصر پیدا بود و ما به خوبی می‌دیدیم که زنان با جدیت مشغول کار بودند" (پروگش، ۱۳۸۹: ۲۳۴). همچنین در خانواده‌های مرفه شهری که تمامی امور مالی زنان به مردان واگذار می‌شود، مردسالاری نیز با شدت بیشتری حاکم است. بنجامین حضور کمتر زنان اعیان در بازار را چنین بیان می‌کند: "با آنکه بازارها مملو از کالاهای مختلف است، اعیان و اشراف اکثراً از فروشندگانی خرید می‌کنند که انواع اجناس را از خانه‌ای به خانه

جنسیت و فضای معماری	جنسیت و فضای اجتماعی	
 <p data-bbox="343 1467 821 1500">ب. پلان یک خانه اعیانی در محله کازرگاه یزد، دوره قاجار</p>	 <p data-bbox="1388 1176 1428 1332">مناطق مرکزی</p>	
 <p data-bbox="255 1915 678 1948">د. پلان خانه قاجاری در محله ساغری سازان رشت</p>	 <p data-bbox="1388 1657 1428 1803">مناطق شمالی</p>	

تصویر ۷. مقایسه مفهوم جنسیت و شکل خانه در دو اقلیم متفاوت یزد و گیلان. مأخذ: الف. سلطان‌زاده، ۱۳۷۲؛ ج. وب: سایت مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران؛ ب و د: نگارندگان.

بحث و نتیجه‌گیری

همه افراد مذکر و مؤنث جامعه در طول فرآیند اجتماعی شدن، می‌آموزند که گروه خاصی از فعالیت‌ها زنانه و نحوه دیگری از رفتارها مردانه، تلقی می‌شود. به همین ترتیب ورود زنان و مردان به برخی از عرصه‌ها، به علت زنانه و مردانه تلقی شدن، محدود یا تشویق می‌شود. بنابراین، برخی اماکن به عنوان "عرصه‌های زنانه" و برخی دیگر "عرصه‌های مردانه" شناخته می‌شوند. در دوران مختلف تاریخ ایران، تعاریف و دیدگاه‌ها نسبت به زن و هویت جنسیتی زنان و مردان متفاوت بوده که پارادایم‌های غالب اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و آیینی را می‌توان در تحولات این دیدگاه‌ها دخیل دانست. همچنین تفاوت دیدگاه‌ها موجب تغییر عرصه‌های جنسیتی، گسترش یا محدودیت آنها شده است. یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که عوامل فرهنگی چون باورهای آیینی، نحوه پوشش و آموزش زنان و رابطه جنسیت و فضا را متغیر ساخته است. همچنین عوامل اجتماعی شامل ساختار قدرت، طبقه اجتماعی و هنجارهای اجتماعی، حضور زنان در برخی عرصه‌های جمعی را منع کرده و قوانین مردسالارانه، بسیاری از مجالس رسمی را مختص مردان معرفی کرده است. از سوی دیگر، ورود مردان به عرصه‌های منحصرآ زنان بسیار محدودتر از تحرک زنان در فضاهای کاملاً مردانه بوده است. چنانچه با ورود فرهنگ غرب در اواخر عصر قاجار و بازاندیشی در هنجارهای سنتی، بسیاری از عرصه‌های مردانه به فضاهای جمعی مشترک تغییر یافتند. تأثیر طبقه اجتماعی بر عرصه‌های خصوصی به صورت تشدید درونگرایی و جدایی‌گزینی در طبقات مرفه و پیوستگی عرصه‌های جنسیتی در خانه‌های فقیرنشین بروز می‌یابد. با این حال در خانه‌های دسته دوم نیز مرز فعالیت‌های دو جنس مشخص بوده و تنها شیوه عرصه‌بندی فضاها متفاوت می‌شود. یافته‌های تحقیق مشخص می‌سازد که عوامل اقتصادی شامل شیوه معیشت و منطقه جغرافیایی، فضای اجتماعی و نیز خصوصی را تغییر می‌دهد. به طوری که در شهرهای شمالی ایران تقسیم کار و پذیرش مسئولیت‌های زراعتی و حشم‌داری از سوی زنان، لزوم محدودیت آنان در عرصه خصوصی خانه را منتفی کرده و مرزبندی فعالیت‌ها و عرصه‌ها را کاهش می‌دهد. جدول ۲ عوامل مؤثر بر رابطه جنسیت و فضا را با توجه به تغییرات شاخص‌های اصلی پژوهش (فرهنگی- اجتماعی- اقتصادی) و شاخص‌های فرعی به دست آمده در تحقیق، بیان می‌کند.

جدول ۲. رابطه جنسیت و فضا در عرصه‌های خصوصی و عمومی دوره قاجار. مأخذ: نگارندگان.

صاحب نظر	مفاهیم کلیدی	رابطه جنسیت و فضا
دافنی اسپین	قدرت	تبیین رابطه میان جنسیت و فضا و مناسبات قدرت
شرلی آردنر	فضای جنسیتی	تبیین نقش فضا در نمادسازی و ساختاربخشی و تقویت مناسبات جنسیتی
هانری لوفور	فضای زیسته	فضا یک تولید اجتماعی است. امکان به چالش کشیدن یا تغییر نظم فضایی مسلط از جانب کاربران فضا
میشل فوکو	توزیع قدرت	فضا اساس هر اعمال قدرتی است. توزیع و طبقه‌بندی افراد در مکان و جداسازی جنسیت‌ها از یکدیگر از نخستین تکنیک‌هایی است که تکنولوژی انضباطی از آن برای رؤیت‌پذیر کردن افراد و آنچه که درون فضا می‌گذرد، بهره می‌برد.
جودیت باتلر	مفهوم اجتماعی جنسیت	جنسیت مفهومی پیشینی و جوهری و جهانشمول نیست، بلکه به شیوه‌ای اجتماعی خلق و ساخته می‌شود.
مک دوول	ساختار اجتماعی	ساختار روابط اجتماعی منجر به تقسیم جنسیتی فضای شهری می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

Gender. ۱

Gender Identity. ۲

Spain. ۳

- ۴. Lefebvre
- ۵. Grisleda Pollock
- ۶. Feminism
- ۷. Germaine Tillion
- ۸. Roger Bastide
- ۹. Socialization
- ۱۰. Bourdieu
- ۱۱. Gendered Spaces
- ۱۲. Benjamin
- ۱۳. Social Beings
- ۱۴. Gender role

فهرست منابع

- ارمغان، مریم، سلطانزاده، حسین و ایرانی بهبهانی، هما. ۱۳۹۲. معماری و فرهنگ در خانه‌های اعیانی تهران در دوره قاجار. پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، ۳ (۱): ۲۹-۵۰.
- اولتاریوس، آدام. ۱۳۶۳. سفرنامه اولتاریوس. ت: احمد بهپور. تهران: سازمان انتشاراتی فرهنگی ابتکار.
- بارکر، کریس. ۱۳۸۷. مطالعات فرهنگی (نظریه و عملکرد)، ت: مهدی فرجی و نفیسه حمیدی تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- بروگش، هاینریش کارل. ۱۳۸۹. سفری به دربار سلطان صاحبقران. ت: محمدحسین کردبچه. تهران: اطلاعات.
- بنجامین، ساموئل گرین ویلر. ۱۳۹۱. ایران و ایرانیان در عصر ناصرالدین شاه؛ خاطرات نخستین سفیر ایالات متحده آمریکا در ایران. ت: محمدحسین کردبچه. تهران: اطلاعات.
- پولاک، یاکوب ادوارد. ۱۳۶۸. سفرنامه پولاک؛ ایران و ایرانیان. ت: کیکاووس جهاننداری. تهران: خوارزمی.
- رایس، کلارا کولیور. ۱۳۸۳. زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان. ت: اسدا... آزاد. تهران: کتابدار.
- رضازاده، راضیه، محمدی، مریم. ۱۳۸۶. عدالت جنسیتی در طراحی فضاهای شهری، کنفرانس زنان معمار ایران، تهران، آبان ۱۳۸۶.
- سلطانزاده، حسین. ۱۳۷۲. فضاهای ورودی در معماری سنتی ایران. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- شاردن، ژان. ۱۳۴۵. سیاحتنامه شاردن. ت: محمود عباسی. جلد هشتم. تهران: امیرکبیر.
- شهری، جعفر. ۱۳۶۸. تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم، جلد چهارم. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- شیل، مری لئونورا وولف. ۱۳۶۲. خاطرات لیدی شیل. ت: حسین ابوترابیان. تهران: نشر نو.
- فرمانفرمایان، مهرماه. ۱۳۹۳. زیر نگاه پدر (خاطرات مهرماه فرمانفرمایان از اندرونی). تهران: کویر.
- فلسفی، نصرالله. ۱۳۴۶. زندگانی شاه‌عباس اول، جلد دوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- فیگوئروا، دن گارسیا دسیلوا. ۱۳۶۳. سفرنامه فیگوئروا. ت: غلامرضا سمیعی. تهران: نشر نو.

- قبادیان، وحید. ۱۳۹۲. معماری در دارالخلافه ناصری. تهران: پشتون.
- کمپفر، انگلبرت. ۱۳۵۰. در دربار شاهنشاه ایران. ت: کیکاووس جهاننداری. تهران: انجمن آثار ملی.
- گرانت واتسن، رابرت. ۱۳۵۶. تاریخ ایران از ابتدای قرن نوزدهم تا سال ۱۸۵۸. ت: وحید مازندرانی. تهران: امیرکبیر.
- مالکوم، سرجان. ۱۳۶۲. تاریخ ایران. ت: میرزا اسماعیل حیرت. به کوشش مرتضی سیفی قمی تفرش. تهران: یساولی فرهنگسرا.
- مهرآبادی، میترا. ۱۳۷۹. زن ایرانی به روایت سفرنامه‌نویسان فرنگی. تهران: آفرینش.
- نادری، سارا. ۱۳۹۲. درآمدی بر روایت زنانه از شهر. تهران: تیسرا.

Reference List

- Bell, W. (1998). Women and Commiunity Safety. *Bell Planning Associates South Australia*, (32):11-73.
- Colomna, B. (1992). *Sexuality and Space*. New York: Princeton Architectural Press.
- Donovan, J. (2001). *Feminist Theory*. New York: The Continuum International Publishing Group.
- Howard, J. (1999). *Fear of Crime*, Society of Alberta. Alberta, Canada: John Howard Society of Alberta.
- Jarvinen, M. (1999). Immovable magic - Pierre Bourdieu on gender and power. *NORA*, 7(1): 6-18.
- Keller, S. et al. (1994). *Sociology*. New York: McGraw-Hill.
- Lefebvre, H. (1991). *The production of space*. Oxford: Blackwell.
- Lubuva, J., Mtani, A. (2004). *Urban Space and Security: A Case of the Dar es Salaam*, Safety Audits for Women, Dar es Salaam. Tanzania, 13-17 September 2004.
- Merrifield, A. (2006). *Henri Lefebvre: A Critical Introduction*. London and New York: Routledge Taylor & Francis Group.
- Mill, J. (2007). *On Liberty and The Subjection of Women*. London: Penguin Classics.
- Rendell, J. (2000). *Introduction: Gender, Space, in Rendell, Penner & Borden, Gender, Space, Architecture: An Interdisciplinary Introduction*. New York: Routledge.
- South, S. Spitze, G. (1994). Housework in Marital & Nonmarital Households. *American Sociological Review*, (59): 327-347.
- Spain, D. (1992). *Gendered spaces*. Chapel Hill: University of North Carolina Press.
- Turner, J. (1999). *The Structure of Sociological Theory*. Belmont, CA: Wadsworth.
- Zieleniec, A. (2007). *Space and Social Theory*. London: SAGE Publications Ltd.
- Schaefer, F. T. & Lamn, R. P. (1992). *Sociology*. New York: McGraw-Hill.